

۲۴۸۴

دانشگاه طس ایران

در شماره ۳۹، ۲، ۹، بن ۱۱۱

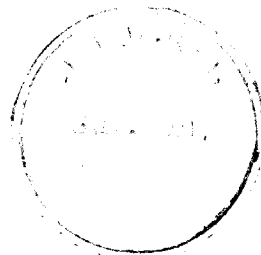
دایره (بسیار) در جدول ۱۱۱

دانشگاه حقوق

فهرست

فهرست

پایان نامه دوره فوق لیسانس علوم ج ——— زانوس



موضوع

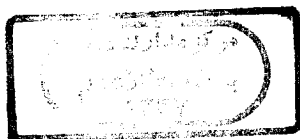
سرفت در ایران و انگلستان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر معتمد رئیس دانشمند دانشگاه حقوق

تالیف

صدری کیوان



• اهداء •

باستاد فاضل محقق جناب آقای دکتر سید محمد علی معتد رئیس
گرنطیه دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران که راه و روش تحقیق
علمی در مظاهر حقوق جزا را بنا آموختند تقدیم مینماید .

تهران بهمن ماه ۱۳۴۸

صدری کیوان

م. ا. م. (۱۳۴۸) ۱۷۱ / ۳۳۳ / ۱۳۴۸

۲۴/۱۳

"اهداء"

بجناب آقای محمد مجلسی استاد دانشمند دانشگاه

که محضر فیاضان فوق العاده آموزنده و شعر بخش و برای

دانشجویان مهتم است تقدیم میگردد .

صدری - کیموان

"بنام خداوند حق قادر ضعیف"

"مقدمه"

رفتار و اقدام خلاف نظم و اعمال ضد اجتماعی و مجرمانه را از نظیر ضوابط و قواعد تشخیص آنها میتوان بدو دسته متمایز تقسیم کرد. دسته اول اعمالی هستند که تحقق آنها منوط بوجود تشکیلات منظم اجتماعی است و فرض موجودیت آنها بستگی تام به موجودیت قواعد و نظام های اجتماعی دارد. دسته دوم اعمال و رفتاری هستند که تحقق آنها نیازی به وجود تشکیلات منظم اجتماعی نداشته و ندارد و در رابطه انسانها از قدیم ترین حیات اجتماعی وجود داشته اند. بدون شك در عداد این اعمال مجرمانه "جرم سرقت" را میتوان بحساب آورد و آن را از قدیمی ترین جرائم بشری دانست. این جرم که معمولاً بیشتر از سایر جرائم اتفاق می افتد و از نقطه نظر کیفری دارای اهمیت بسزائی است بدون توجه به نوع همواره محکوم و منوع بوده است. زیرا در نتیجه ارتکاب باین بزه خلل بزرگی بحق مالکیت (مالکیت منقول) وارد آمده موجب حرمان مالک از تمتع و بهره گرفتن از مال خود میگردد. با توجه باین اهمیت مشخص منوعمیت و محکومیت باین بزه دیگر قبیح و قابل کیفر بودن این جرم در هر يك از ادوار حیات اجتماعی

متفاوت بوده و عوامل خاصی در آن موثر بوده اند که باختصار عبارتند از جرم^ک
 دانشدن طبع اجتماع، عادات عمومی، اخلاق، مذهب و مقررات کیفری، چون
 بحث و تفصیل درباره هر یک از این عوامل متضمن اطاله کلام خواهد بود از شرح
 تفصیلی آنها میگذرد و تنها کمی درباره مقررات کیفری قایل^ب بتفصیل می شود.
 در این مورد با کمی^ب نظر و تحقیق در قوانین جزایی کشورهای مختلف جهان
 باین نتیجه میرسیم که اغلب این قوانین از دو قسمت متمایز و تقریباً مجزا از هم
 تشکیل گردیده اند باین ترتیب که در قسمتی که به کلیات حقوق جزا معروف شده از
 قواعد و مسائلی که شامل تمام جرائم میگردد بحث میشود و در قسمت دیگر که قسمت
 اختصاصی است جرائم مختلف را بدست داده خصوصیات هر یک را بیان می کند
 و در حقیقت فهرست جرائم و مجازات آنها میباشد این تقسیم بندی را هم شارحان
 و مؤلفان انگلیسی و فرانسوی در مؤلفات عدیده خود ذکر کرده اند هم استادان
 حقوق جزای ایران تحت عناوین:

"حقوق جزای عمومی" و "حقوق جزای اختصاصی" وارد اصطلاحات حقوقی کرده اند
 قانون مجازات عمومی ایران که موضوع مورد بحث مابین جرم سرقت ضمن چند ماده
 آن بیان شده نیز این تقسیم بندی را پذیرفته و مسائل عمومی و کلی حقوق جزا را طریقی
 پنجاه و نه ماده اولی و چندین قانونی بپراکنده دیگر مطرح نموده موضوعاتی از قبیل:

۱- عناصر عمومی جرائم — م.

۲- تقسیم بندی جرائم از حیث شدت و ضعف مجازات ها.

۳- تکرار جرم

۴- جزاهای اصلی و تبعی

۵- شرکت و معاونت در جرم

۶- تعدد جرم

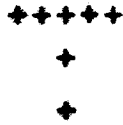
۷- شرایط و موانع مجازات

۸- تخفیف و تبدیل و اسقاط مجازات

۹- عفو و اعاده حیثیت

و چند موضوع دیگر را مورد بحث قرار داده است و مسائل اختصاصی حقوق جزا را از ماده ۶۰ به بعد آورده خصوصیات هر جرم را جداگانه تشریح و کیفیت آنها را تعیین کرده است. کوتاه سخن جرم سرقت یعنی عنوان پایان نامه که در این مجله برشته تحریر در آمده مرتبط و مربوط بقسمت دوم یعنی حقوق جزای اختصاصی است اما باید اضافه کنیم که ضمن تجزیه و تحلیل جرم سرقت به بعضی از مواضع سایر رشته های حقوق از قبیل حقوق مدنی و حقوق جزای عمومی آئین دادرسی کیفری نیز اشاراتی کرده ایم روی هم رفته روش کار ما در این تحقیق تطبیقی است که بدواً سرقت

و شرائط و مشخصات آنها در این حقوق تشریح کنیم و در پایان بطالعه تطبیقی
 پرداخته جهات اشتراك یا افتراق آنها را روشن می کنیم امید است که کوشش ما مورد
 قبول افتد و لغز ^{لغز}ها و نارسائی های آن باریده عفو و اغماض نگریسته شود .



فصل اول

تاریخچه سرقت

جرم سرقت از ازنه بسیار قدیم رواج داشته و همانطوریکه قبلاً متعرض شدیم بدون در نظر گرفتن نوع ضوابط و قواعد اجتماعی همواره مذموم و مضع بوده است . از نظر اینکه برای تحقیق و تدقیق در باره این جرم مطالعه تاریخچه آن ضروری بنظر میرسد در نهایت ایجاز و اختصار بدرج سوابق تاریخی این جرم می پردازد .

۱- دزدی در حقوق روم

در حقوق روم دزدی جرم بشمار آمده مقررات و کیفری خاصی برای آن وضع کرده بودند منجمله ربودن اموال متعلق بخدایان "۱" و همچنین اموال دولتی "۲" مضع بوده و کسیکه آنها را سرقت میکرد مستوجب کیفر میگرددیده است . چنانچه کسی بوسیله گله محصول دیگری را مصرف میکرد یا آن را دروغی نمود دزد محسوب و مجازات میگردد . در این حقوق سرقت بین زن و شوهر نیز "۳" تحقق داشته است

1) Sackilegium

2) Peculatus

3) Actio Rerumantakum

باین معنی که هرگاه زوج از اموال زوجه یا بالعکس بدون رضایت او می‌ربود
این عمل دزدی محسوب شده و کفر خاص داشته است .

۲ - دزدی در حقوق آمورایی

قوانین آمورایی (حمورایی) برای سارقان و اخفا کنندگان

اموال سروقه کیفرهایی معین کرده بودند که بشرح زیر درج میشود :

طبق ماده ۶ قانون آمورایی هرگاه سرقت از خزانه ای که در معبد

یا قصر سلطنتی جای داشته انجام میشد مرتکب و اخفا کننده آن را اعدام میکردند .

اگر کسی اشیاء قیمتی مانند طلا و نقره و جهان‌بایان متعلق به دیگری را بدون حضور

شهود و سند کتبی میگرفت یا برهن قبول میکرد این عمل دزدی و اختفا است — سوال

سروقه محسوب میشده و مجازات داشته است (مواد ۷ و ۸ قانون آمورایی) . در

حقوق آمورایی انسان نیز موضوع سرقت واقع میشده و مجازات سرقت و اختفا اطفال

و بردگان اعدام بوده است . در حقوق آمورایی سرقت مقرون بکیفیات مشدده دارای

کیفر نسبتاً شدیدتری بوده است مثلاً " هرگاه دزدی بوسیله سوراخ نمودن دیوار

وارد منزلی میشده او را اعدام و در جلو سوراخ منزه دفن می نموده اند هرگاه سرقت

سلحانه ای ارتکاب میشد و سارق آن معلوم نبود مدعی با قید قسم قیمت مال سروقه

راتعمین و اهالی ناحیه محل وقوع جرم ملزم بوده اند قیمت مال منزه را بمالك ان —

بدهند و هرگاه ضمن سرقت اشخاص نیز باسارت برده میشدند اهالی ناحیه مزبور ملزم و مکلف بودند که درعوض هر یک نفر از آنان یک مین (Mine) (۱) نقره بخوشاوند ایشان بدهند . هرگاه سرقت درموقع خاموش کردن حریق انجام میشد سارق را بهمان آتش یا آتش دیگری می سوزانند .

۳ - دزدی در حقوق برهمن

در حقوق برهمن دامنه دزدی وسیع تر از حقوقهای دیگری بوده و - بطوریکه از فصل یازدهم مجموعه مانو (یکی از مستندات حقوقی منظوم دوره دوم حقوق برهمن) که از سرقت بحث می کند مستفاد میشود مقررات سرقت راحتی در فارسیه وود یعه نیز سرایت داده و امتناع از تسلیم مال مورد عاریه یا ود یعه از ناحیه مستعیر یا مستودع و همچنین فروش مال بوسیله غیر مالک (معامله فضولی) و استعمال مال بدون رضای صاحبش را از مصادیق سرقت بشمار آورده کیفرهای خاصی برای آنها پیش بینی نموده بودند . مال مسروقه باید به صاحبش مسترد گردد و هرگاه سارق پیدای نمی شد ضرر زیان متضرر از جرم از خزانه دولت پرداخت میگردد . رئیس هر ناحیه ای مسئول سرقت هایی بوده است که در حوزه استحفاظی او اتفاق می افتاده در صورت بودن موالی و اعیان اتر حیوان را تعقیب میکردند در هر ناحیه که هارمن پور بانجامتھی

۱ - Mine معادل صد درهم نقره ارزش داشته است .

میشد اهالی همان ناحیه مسئول بودند هرگاه بعد از این عملیات سرقت کشف و سارق پیدانمیشد دولت مسئول و ملزم بجهران ضرر و زیان متضرران جرم بوده — است . در کتاب نارادا^۱ Narada " یکی دیگر از مستندات حقوقی منظوم دوره دوم حقوق برهمن دزدی از نظر قیمت مال مسروقه سه دسته تقسیم میشده و سه مجازات داشته است باین ترتیب که جزای نقدی ، مجازات بدنی و بالاخره اعدام را اعمال میکردند در مورد اقرار سرقت مخصوصاً در پیشگاه شاهان هند تشریفات خاصی معمول میشده است باین ترتیب که سارق میبایست باموهای پریشان در حالیکه چوبی درست گرفته بود در پیشگاه شاه اقرار جرم خود نماید البته پس از اقرار پادشاه در حق او مجازات او مختار بوده و عقیده هند باینکه پس از اقرار جرم مجرم معذور است .

۴ — دزدی در حقوق زرتشتی

در سراسر اوستا پیروان دین زرتشت مرتباً " بر پاید سه اصل مقدس و پاک پندارنیک ، کردارنیک ، و گفتارنیک دعوت شده در گاماتبا (۱) (سرودها^۲ مذهبی) نیز انجام دادن آنها را به پیروان مزدیسنا (پرستنده آهورامزدا) امیر کرده اند . در دوره ساسانیان که آئین زرتشت رواج بسزائی داشته و مجرمین

۱ — ادبیات مزدیسنا تألیف پورداهر جلد اول صفحه ۳۲

طبق قوانین زرتشت بکیفر میرسیدند از نظراینگه سارق برخلاف او امر و نواهی مذ هبی رفتار کرده بود هم منفور بود و هم بکیفرهایی از قبیل جریمه، نقص عضو و حبس محکوم میشد پس از مدتی قطع ضو سارق بحالت اینکه دزدی فردی از افراد جامعه بوده و با قطع ضو ^{وی} یکی از اعضا^ی جامعه ناقص میشده مطلق گردیده — و در هوش طبق مقررات بعدی دزده بزداخت چهار برابر مال مسروق محکوم میشده است . در عهد ساسانیان برای جلوگیری از سرقت باین ترتیب رفتار میکردند که هرگاه دزدی در حین ارتکاب سرقت دستگیر میشد مال مسروقه را بگردنش آویخته با آن وضع به محضر قاضی میردند در آن حال قاضی امر میکرد که زنجیری بگردنش آویخته و پس از گرداندن در کوی و بوزن بزند آن بزند آنگاه پس از رسیدگی و احراز مجرمیت و محکومیت اوراق مجازات های لازم که بسته بشدت — و ضعف عمل از جریمه تا اعدام بوده میرسانیدند . برای دسترس به بزهاران و — هندستان آنها مقرب داشته بودند که هر کدام از معاونان و شرکا^ی جرم سرقت که دیگران را معرفی کند علاوه بر معافیت از مجازات از دولت پاداشی هم خواهد گرفت . در این زمان پنهان کننده اموال مسروقه سارق محسوب میشده است .

۵ - دزدی در حقوق اسلامی

دین مقدس اسلام طی آیات، اخبار، احادیث و روایات متعدد —

که در کلام الفجید و سایر کتب دینی و طهین موجود است پیوسته مردم را با انجام کارهای خوب ترفیب و از ارتکاب اعمال بد منع مینماید . کما اینکه در کتاب آسمانی ما قرآن آیات متعددی در این مورد و در مورد نهی از سرقت وجود دارد که از جمله آنها یاد کرده آیه شریفه ذیل مبادرت مینماید :

یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل الا ان یكون تجارۃ من

تراض منکم ولا تأکلوا أموالکم ان الله کان بکم رحیماً . بدیهی است یکی از طرق (اکل مال بطون باطل) که در این آیه شریفه مذکور افتاده سرقت میباشد . بهر تقدیر جرم سرقت در حقوق اسلامی فوق العاده قبیح و گناهی کبیره بوده و قانون جزای اسلام با شرایط مفید معینه ای که بعداً^۱ ذکر خواهیم کرد کیفرهای متعددی برای این جرم تعیین کرده است . فقهاء^۲ سرقت را اینطور تعریف کرده اند سرقت آنست که شخصی مال کسی را که جانی محفوظ کرده بدون اطلاع صاحبش و مخفیانه بر باید بنظر میرسد که در تعریف جرم سرقت توجه خاص بمعنای لغوی کلمه بوده است زیرا در لغت عرب ذکر شده که سرقة الشیء اخذ منه خفیة بحیلة در مورد مجازات سرقت در حقوق اسلامی با در نظر گرفتن این مطلب که منابع حقوق اسلامی متکی بدلائل اربعه است حد و کیفر سرقت و دلائل تشریح آنها را باید در آیات الاحکام و سنت و اجماع یافته و در این بحث بسازیم .

الف - حد و کیفر سرقت

در باره حد و کیفر سرقت دو آیه شریفه در سوره مائده موجود است که عبارتند از:

السارق و السارقه فاطعموا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله و الله عزیز حکیم.

انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ان یقتلوا یا یدبهم فارجلهم من خلاف.

الخ (معنی قاطعان طریق راجز^{مفسرین} محاربین محسوب داشته اند) از لحاظ سنت در فروع کافی بنقل از حضرت صادق آمده است:

قال سئلته عن رجل سرق فقال سمعت ابي يقول اني طي (ع) فسي

زمانه برجل قد سرق فقطع يده ثم اتى به ثانيا فقطع رجله المسلمین و قال من خلا^ف

ثم اتى به ثالثة و غلده في السجن و انفق طيه من بيت المال المسلمین و قال

هكذا اصنع رسول الله لا يخالفه. راوی خبری گوید در باره مجازات مردی دزد -

از حضرت صادق ع سؤال کردم فرمود از پدر بزرگوارم شنیدم در زمان خلافت -

مولای عقیان روزی دزدی راه محضر مطهرش آوردند فرمود دست راستش را بریدند

برای بار دوم همان مرد را بعنوان ارتکاب سرقت آوردند حضرت پای او را قطع

کرد دفعه سوم حضرت فرمود او را حبس دائم کنند و مخارج او را از بیت المال بپردازند

و حضرت امیر فرمود رسول خدا هم به همین نحو عمل میفرمود و من با آن حضرت مخالفت

نخواهم کرد. همچنین در وسائل الشیفة سند^۱ از قضا^۲ امیرالمؤمنین روایت

شده: انه كان اذا سرق الرجل اولاً قطع يمينه فان عاد قطع رجلاه اليسرى فان عاد ثالثة قطعته السجن و انفق عليه من بيت المال .

صاحب وسائل الشیعه در دنبال حدیث فوق اضافه میکند ورواه المقنع

مرسلاً نحوه وقال وروی انه من سرق فی البحن قتل .

صاحب وسائل میفرماید این روایت را صاحب کتاب مفتح بطریق ارسال نقل کرده و —

فرموده است که مولای متقیان علی ع فرمود اگر سارق دفعه چهارم در زندان دزدی —

کند اوراق کشند . با توجه بآیات و اخبار و احادیث فوق الذکر میتوان مجازات سرقت

را در حقوق اسلامی بشرح زیر طبقه بندی کرد :

۱ — تأسیب (در اختیار قاضی بوده و با رعایت اوضاع و احوال

حکم میداده) .

۲ — ~~تفریق~~ ^{تفریق} ماندن حد نص ندارد و مقدارش از حد کمتر است .

۳ — بریدن دست

۴ — بریدن پا

۵ — زندان مؤبد

۶ — اعدام

که هر یک از مواردش گانه پس از حصول شرایط معینه ای وسیله امام یا نایب امام